

نقش علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام در وحدت و انسجام اسلامی

نقش علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام در

وحدت و انسجام اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق حمادی

دکتر آرزو سلامت نیا

چکیده

امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اوّلیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که اسلام برای او پیشبینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. این چیزی بود که دوری از اسلام، پراکندگی و غفلت مسلمانان برای آنها پیش آورده بود. و تفرقه و اختلاف شان باعث داوم سلطه دشمنان بر آنان شده است. اما امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده میشود؛ میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزّت و پیشرفت و ترقّی است. با این حال، صحنه همچنان سیّال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است.

تقویت و تأکید بر انسجام حدود یک و نیم میلیارد مسلمان جهان، اساسی‌ترین رسالت علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام است و اندیشمندان مسلمان باید از خود سؤال کنند که چگونه می‌توان اتحاد و انسجام مسلمانان را اولویت اول جهان اسلام قرار داد؟ متأسفانه مسلمانان امروزه با بی‌توجهی به توطئه اجانب در گرداب تفرقه قرار گرفته و جهان اسلام زیان‌های غیر قابل جبرانی از این تفرقه‌ها دیده است. در سال‌های اخیر دشمن تلاش کرده است عامل مذهبی را به عامل اختلاف بدل کند و نگذارد کشورهای اسلامی با تشریک مساعی و برادری به اوج شکوفایی برسند.

امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اوّلیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که اسلام برای او پیش‌بینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. این چیزی بود که دوری از اسلام، پراکندگی و غفلت مسلمانان برای آنها پیش آورده بود. و تفرقه و اختلاف شان باعث داوم سلطه دشمنان بر آنان شده است. اما امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزّت و پیشرفت و ترقّی است. با این حال، صحنه همچنان سیّال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است.

تقویت و تأکید بر انسجام حدود یک و نیم میلیارد مسلمان جهان، اساسی‌ترین رسالت علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام است و اندیشمندان مسلمان باید از خود سؤال کنند که چگونه می‌توان اتحاد و انسجام مسلمانان را اولویت اول جهان اسلام قرار داد؟ متأسفانه مسلمانان امروزه با بی‌توجهی به توطئه اجانب در گرداب تفرقه قرار گرفته و جهان اسلام زیان‌های غیر قابل جبرانی از این تفرقه‌ها دیده است. در سال‌های اخیر دشمن تلاش کرده است عامل مذهبی را به عامل اختلاف بدل کند و نگذارد کشورهای اسلامی با تشریک مساعی و برادری به اوج شکوفایی برسند.

در این مقاله سیاست‌ها و راه‌کارهای تحقق وحدت و انسجام اسلامی از نظر مسئولان و اندیشمندان مسلمان در راستای تحقق انسجام اسلامی و مناسبترین نگرش برای تحقق سیاست‌ها و راه‌کارهای انسجام اسلامی ارائه می‌گردد. افزون بر آن، سیاست‌ها و راه‌کارهای اتخاذ شده از نظریه‌های آکادمیک، درباره تحقق انسجام اسلامی و آسیب‌ها و آفت‌های سیاست‌ها و راه‌کارهای ارائه شده و... طرح و تحلیل گردیده است. در پایان با توجه به تجارب عملی، سیاست‌ها و راه‌کارهای بدیع و واقع‌گرایانه درباره انسجام اسلامی معرفی شده است. در این نوشتار همچنین مهم‌ترین آسیب‌شناسی و راهکارهای بیداری وحدت اسلامی را از گفتار، نوشتار و رفتارهای دو اندیشمند مصلح جهان اسلام، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیه^ع العظمی خامنه‌ای مورد بازخوانی شده است. در پایان با توجه به تجارب عملی، سیاست‌ها و راه‌کارهای بدیع و واقع‌گرایانه درباره انسجام اسلامی معرفی شده است.

موضوع وحدت امت اسلامي و تقريب مذاهب اسلامي، يكي از مسائل مهم جهان اسلام به شمار مي آيد. تاكيد قرآن كريم به ضرورت وحدت مسلمانان « و اعتمموا بحبل اجميعا ولا تفرقوا » (سوره آل عمران، آيه 103) و تاكيد پيشوايان دين بر برادري مسلمانان بر كسي پوشيده نيست، از نظر تاريخي اين امر به خوبي روشن است كه پيشرفت مسلمانان در پرتو همدلي و وحدت آن ها و عقب ماندگي و شكست آنان در عرصه هاي گوناگوني سياسي، علمي، اجتماعي، اقتصادي و ... نتيجه اختلافات و پراكندگي ميان ايشان بوده است. اين ناسازگاري ميان فرقه ها و مذاهب اسلامي، خصوصا ميان دو مذهب بزرگ شيعه و اهل سنت در برهه هايي از تاريخ به حدي بوده است كه تلقي آن دو مبني بر اينكه دو فرع اگر يك اصل اند، ممكن نبوده است و نظر بر اين بوده است كه در طول تاريخ در شبه قاره هند و پاكستان، عراق و ... ميان اين دو فرقه ي بزرگ اسلامي رخ داده است. البته در اين ميان در طول تاريخ اسلام، دانشمندان و عالمان ديني بزرگي وجود داشته اند كه براي ايجاد صلح و مدارا ميان مسلمانان و سازگاري مذاهب اسلامي كوشيده اند. عالمان و دانشمندان مسلمان در يك قرن اخير نيز با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگي ميان امت اسلامي براي ايجاد سازگاري بين فرق و مذاهب اسلامي تلاش فراوان کرده و پديده نو طهوري به نام « تقريب مذاهب اسلامي » پايه ريزي کرده اند . در اين ميان واكنش ها و رويكردهاي متفاوت هم در ميان دانشمندان اهل سنت و هم در ميان علماي شيعه نسبت به موضوع تقريب وجود داشته است . رويکرد اول رويكردي منفي بوده است چنانكه عده اي از علماي شيعه امر تقريب مذاهب اسلامي را در عمل و اينكه در جهان خارج به عينيت برسد، ناممكن و محال دانسته اند در مقابل، ممكن است عده اي ديگر براي عملي شدن ايده ي تقريب مذاهب اسلامي با در پيش گرفتن رويكردي تفريطي بعضي از اصول اعتقادي قطعي و مسلم مذهبي و حوادث مستند تاريخي را انكار يا در آن تشكيك كنند. در عين حال رويکرد سوم و معتدل نيز نسبت به موضوع تقريب مذاهب اسلامي در ميان انديشمندان شيعي وجود داشته است . در اين رويکرد با پذيرش اصل ضرورت وحدت امت اسلامي و تقريب و سازگاري ميان مذاهب اسلامي، سعي و تلاش بر پايه ريزي مبناي اصولي و روش هاي كارآمد براي تقريب مذاهب اسلامي بوده است. ترديد نيست كه اختلاف هاي مذهبي و عقيدتي ميان مسلمانان از مهمترين عللي است كه به تفرقه و پراكندگي آنان انجاميده است. پرسش مهم اين است كه چگونه مي توان اين مشكل را حل كرد؟ آيا بايد با ايجاد يك مذهب و يا از ميان برداشتن اختلاف هاي مذهبي، سعي در حل آن كرد؟ پاسخ آن است كه كوشش هايي از اين دست تقريبا غير ممكن است و گمان نمي كنيم كسي در پي چنين كوشش نامعقولي برآيد، در اين جا بايد در جستجوي راه ديگري براي ايجاد راه حل عادلانه اي كه همگان بپذيرند برآييم كه مطمئنا راهي بهتر از تقريب به عنوان بهترين راه حل براي مشكلي كه همگان را به ستوه آورده است، نخواهيم يافت .

واژه تقریب از باب تفعیل و از ماده «قرب» به معنای نزدیک و نزدیکی اخذ شده است، چنانکه گفته اند: قرب اصل صحیح یدل علی خلاف البعد؛ در جای دیگر آمده است: القرب لفیض البعد بنا بر این قرب (نزدیکی) عکس بعد (دوری) است و تقارب (نزدیک شدن به یکدیگر) ضد بتاعد (دوری جستن از یکدیگر است). تفاوت نزدیک شده به همدیگر ویژه ی مکان نیست، چه در حدیث حضرت حجة (ع) آمده است: زمان چنان به هم نزدیک می شود که یک سال همچون یک ماه می گردد. و منظور زمان چنان خوش می گردد که گویا به درازا نمی کشد زیرا ایام شادی و خوشی کوتاه است. و در حدیث قدسی آمده است: «هر کس به من به اندازه یک وجب تقرب جوید، به اندازه یک زرع به او نزدیک می شوم» که مراد از نزدیکی بنده به خدای متعال، قرب و نزدیکی با ذکر و کار خیر و نه قرب ذاتی و مکانی است زیرا قرب مکانی از صفات اجسام فانی است و خداوند متعال همچنان که در جای خود مسلم و ثابت گشته است، والاتر و مقدس تر از آن است.

تقریب مذاهب اسلامی در اصطلاح کوشش جدی برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب از راه درک اختلاف های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلاف ها و نه اصل اختلاف هاست؛ به عبارت دیگر تقریب نزدیک کردن دیدگاه ها و هماهنگی مواضع مسلمانان است. در تفسیر صحیح تقریب در اصطلاح می توان گفت: تقریب مذاهب اسلامی عبارت است از اینکه تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی را فراهم سازد. تفاوت تقریب و اتحاد این دو واژه در اصطلاح مصلحان مسلمان معنایی نزدیک به هم دارند و از هدف واحدی برخوردارند که همان ایجاد همبستگی و سازگاری میان مسلمانان است اما می توان این تفاوت را میان آن ها قائل شد که اصطلاح اتحاد امت اسلامی عام تر است و جنبه سیاسی - اجتماعی و علمی دارد ولی اصطلاح «تقریب مذاهب اسلامی» بیشتر دارای جنبه علمی و نظری است و در میان عالمان دینی مطرح است که تلاش می کنند بر اساس مناظرات و گفتگوهای علمی و رعایت روشهای علمی و اخلاقی، زمینه آشنایی بیشتر مذاهب اسلامی از اصول و فروع یکدیگر را آماده سازند و در رفع سوء تفاهات مذهبی بکوشند.

مسلمانان در صورتی که به دنبال خیزش و نجات از این حالت ضعف و عقب ماندگی هستند، راهی جز وحدت و کنار نهادن تفرقه و درگیری ندارند، ناگزیر باید گفت بدون شك هدف مترتب بر تقریب مذاهب اسلامی هدفی است که به حکم عقل و شرع، مسلم تلقی می شود. در نتیجه اهمیت تقریب و ضرورت کاملاً روشن می شود و مسلمانان وظیفه دارند با جدیت تمام و با احساس مسئولیت بزرگی هم چون با عظمت و شکوه این هدف با آن برخورد داشته باشند. امروز نیاز به تقریب بیش از هر زمان دیگری دیگری احساس می شود زیرا اسلام درگیر کارزار تمدنی و سرنوشتی بسیار پراهمیتی است که فراهم آوردن همه گونه اسباب نیرومندی و پیروزی را ایجاب می کند.

در این مورد دو بحث وجود دارد. یکی بحث واقعیت تاریخی و دیگری سوءاستفاده هایی است که از این تاریخ صورت می گیرد. در حالی که اساساً در خصوص مذاهب باید تکثر را به رسمیت شناخت. همه ادیان بزرگ دارای شاخه های مختلف هستند و وقتی تبدیل به قدرت می شوند دیگر باید آنها را پذیرفته شده قلمداد کرد.

اما اگر این شاخه ها بخواهند درصد حذف یکدیگر برآیند، آنوقت است که فاجعه بوجود می آید. شاخه ها تنها مختص به مذاهب نیست و حتی در درون مذاهب، از جمله شیعه هم جریان های مختلفی وجود دارد، به هر حال یافتن حقایق در مسائل اجتماعی و سیاسی همیشه بستگی به خاستگاه تاریخی ندارد، بلکه باید مسائل دیگری را نیز مدنظر قرار داد. به عبارت دیگر در تحقیق تاریخی باید تنوع را به رسمیت بشناسیم و بحث باید روی معیارها متمرکز باشد نه روی مصداق ها.

تاریخ اسلام در همه مسائل نظری، شاهد اختلاف آراء و عقائد بوده است و این اختلاف، تا آنجا که به اصول کلی مشترك اخلاقی وارد نیاورده، رایج و مورد استقبال بوده است و حتی به عنوان يك امر ضروری تلقی شده است. حتی در اصول کلی مشترك، مثل توحید، نبوت، رهبری بعد از پیامبر، معاد، صفات خداوندی و قرآن نیز مباحث نظری فراوان مطرح شده و این نه تنها موجب آن نشده که متفکران اسلامی یکدیگر را تکفیر کنند، بلکه عامل گسترش و تعمق معارف حکمی و کلامی نیز گشته است. اما اختلاف نظر در فروع مورد اتفاق، مانند نماز، روزه، حج، جهاد ابواب گوناگون اقتصاد و کیفرها (حدود و دیات) و غیر آن که بسیار فراوان و رایج است، بدهد[تر] از آنست که نیازی به بحث و تحقیق داشته باشد. اما در هر حال، مد[توان] اختلاف را به دو نوع تقسیم کرد:

اختلاف معقول

اختلاف معقول عبارتست از اختلافی که ناشی از چگونگی اطلاعات مربوط به مسئله و استعدادها، مخصوصاً نبوغ و عموم موضع گیریهای طبیعی و قانونی است که اشخاص در ارتباط با حقائق دارند، مانند اختلاف نظر در دریافت واقعیات عالم هستی از دیدگاه علوم نظری و فلسفه[ها]. این همان اختلاف معقول است که نه تنها نباید مورد تردید و انکار قرار بگیرد، بلکه موجب گسترش و عمق بیشتر در معارف نیز مد[گردد]. روایت معروف اختلاف امتی رحمة (اختلاف امت من رحمت است) (سفينة البحار، محدث قمی ج 2 ص 42)، اشاره به همین اختلاف معقول مد[نماید].

بر اساس همین نگرش بوده است که اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی، چه در فقه و اصول و

فهم احادیث، چه در فلسفه و کلام و ادبیات و غیر ذلک با کمال رضایت به بحث و کاوش و اظهار نظرهای مختلف مدّپرداختند و هیچ يك دیگری را خارج از اسلام تلقی نمودند. اگر به تاریخ اسلام بنگریم، خواهیم دید که علمای فراوانی در حضور علمائی که در مسائل نظری هم رأی آنان نبوده‌اند، شاگردی کرده‌اند و کتابهای یکدیگر را مورد شرح و تحقیق قرار دادند. مثلاً کتاب تجرید الاعتقاد تألیف خواجه نصیر الدین طوسی از بزرگترین علمای شیعه مورد شرح ملا علی قوشجی از علمای اهل سنت قرار گرفته است، و کتاب المحجة البيضاء، ملا محسن فیض، از مشاهیر علمای شیعه، در شرح و تحقیق احیاء العلوم غزالی که از معروف‌ترین علمای اهل سنت است تألیف شده است.

اختلاف نامعقول

عبارتست از اختلافی که ناشی از عوامل غیر قانونی و انحرافی مدّباشد، مانند پیروی از هوی و هوس که از مهم‌ترین نمودهای آن، خودنمائی و شهرت پرستی است. در طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که خواسته‌اند خود را مطرح کنند و با تظاهراتی مثل آزاد فکری، آزادی اراده و آزادی بیان، اما در حقیقت با عشق به قدرت، مشهور شوند. عشقی که نهایت ناتوانی انسانی را اثبات مدّکند. همانگونه که در سازندگان و ترویج کنندگان مذاهب دروغین مدّبینیم. یکی از اساسی‌ترین عوامل بدست آوردن قدرت در طول تاریخ، ایجاد اختلاف در عقیده یا عقائد مردم يك جامعه بوده‌است. این جریان، نه تنها موجب پراکندگی افکار و عقائد و ایده‌آلهای متحد کننده يك جامعه مدّگردد، بلکه گاهی عامل شدیدترین خصومت‌ها و تضادها در میان مردم يك یا چند جامعه مدّشود که در سطح عمیق روحیاتشان، افکار و عقائد مشترك بسیاری با یکدیگر داشته‌اند. و چون عقائد و آرمانها تفسیر کننده هدف و فلسفه حیات انسانهاست، لذا بازی با آنها، یا به وجود آوردن اختلاف‌های نامعقول میان انسانها برای نیل به قدرت، یکی از ضد انسان‌ترین روشهای قدرت طلبان محسوب مدّشود.

از زمره دیگر انواع اختلاف نامعقول، آن است که ناشی از شطرنج بازب‌های ذهنی در علوم نظری است که فقط برای ارضای حس تخیل و اعتلاء طلبی در امور فکری محض بر مدّخیزد.

و بالعکس، با کمال صراحت مدّتوان گفت که اختلاف معقول، یعنی اختلافی که در مسیر رقابت‌های سازنده، بوجود مدّآید مطلوب‌ترین عامل پیشرفت معرفت و عمل است و بدون آن، هیچ گونه حرکت تکاملی در حوزه دو حقیقت مذکور (معرفت و عمل) امکان پذیر نخواهد بود. در دین اسلام، هرگز چنین دستوری وجود ندارد که همه مغزهای مسلمین، فعالیت یکنواخت داشته باشد و همه به نتایج واحد برسند. از طرف دیگر، اصرار شدید اسلام بر اینست که بحث و کاوش و اجتهاد باید دائمی و مستمر باشد. بدیهی است این قضیه دوم، بدون بروز اختلاف امکان پذیر نخواهد بود.

بنابراین، اختلاف نظرها به عنوان يك پدیده طبیعی که معلول پویایی معارف اسلامی است، پذیرفته

شده، اما این اختلاف باید در مسیر رقابت‌های سازنده قرار بگیرد، نه تضادهای ویران کننده. البته، گاه این تکاپوها و رقابت‌های مثبت، از طرف قدرت پرستان، مبدل به تضادهای مدم‌گردد که عامل پیشرفت تکاملی را، به عامل رکود و سقوط نابود کننده، مبدل مدم‌سازد. اما اختلاف‌های نامعقول که برای بدست آوردن سلطه و قدرت بوجود مدم‌آیند، سطحی و زودگذر و غالباً تکراری است، مانند کتابهایی که برای اختلاف افکندن بین شیعه و سنی در دوران ما نوشته مدم‌شوند. معمولاً این گونه آثار، برای صاحب نظران و متفکران فقط اسباب تمسخر و تأسف خواهند بود، و برای افکار ساده و بی اطلاع نیز اثری زودگذر و فراموش شدنی بجا خواهند گذارد.

از طرف دیگر، هر جا که آتشی از اختلاف بر افروخته شده، هر چند نهالهایی چند از باغ خداوندی را سوزانده است اما روشنایی‌هایی برای متفکران نیز بوجود آورده که در نور آن، هم ابعاد مخفی و مزایای مکتب را روشن ساخته، و هم نیات تفرقه افکن را واضح‌تر ساخته است، چه اگر يك قضیه از واقعیت صحیح برخوردار باشد، هر حمله‌ای که از طرف غرض ورزان به آن قضیه صورت بگیرد، سطوح و ابعاد و توانائی مقابله آن واقعیت را بالاتر مدم‌برد و روشن‌تر مدم‌سازد، و این، عکس آن هدفی است که غرض ورزان تصور کرده‌اند.

انواع وحدت

متن مشترك ادیان توحیدی ابراهیمی، بر مبنای اعتقاد به وجود خداوند یگانه، مبداء و مقصد حرکت انسان در وصول به کمال، قرار دهنده عقل و وجدان در ذات انسانها و فرستنده پیامبران الهی برای ارشاد مردم ایجاد شده است. عناصر شخصیت واحد جوامع اسلامی، یا اجزای هویت واحد امت اسلامی در همین اعتقادات خلاصه مدم‌شود، و با ورود اختلال در هر يك از این عناصر یا اجزاء، شخصیت یا هویت واحد به همان نسبت مختل مدم‌گردد. در طریق وصول به وحدت معقول، نخستین گام، همانا وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی است و عامل اساسی این توسعه دیدگاهها، رهائی از چارچوب تنگ و تاریك تعصب غیر منطقی مدم‌باشد. اسلام، به جهت عظمت و تنوع ابعاد نامحدود خود، توانسته است همانگونه که محمد بن طرخان فارابی را در دامن خود بپروراند، ابن سینا و ابن رشد و ابن مسکویه و ابو ریحان بیرونی و حسن بن هیثم و محمد بن زکریا و جلال الدین محمد مولوی و میر داماد و صدر المتألهین و صدها امثال اینان را، با آراء و عقاید مختلف در جهان شناسی و الهیات و حقائق مذهبی پرورش بدهد. از طرف دیگر، صدها فقیه و اصولی در دو فرقه بزرگ اسلامی تشیع و تسنن در هزاران مسئله شرعی بحث و اجتهاد داشته‌اند، گاه با یکدیگر موافق و گاه مخالف یکدیگر بوده‌اند، اما هیچگونه نزاحم و تضاد ویران‌گر در میان نبوده است. نکته مهمی که در این مسئله باید در نظر گرفت، اینست که قسمت شدن دو مذهب شیعه و سنی به دهها فرقه و گروه، معنایش این نیست که اسلام واقعا به دهها مذهب تقسیم شده‌است، زیرا اگر بنا شود که عقیده هر صاحب نظری را در تاریخ معارف اسلامی، به معنای يك مذهب مخصوص تعبیر کنیم، باید بپذیریم که اسلام به هزاران مذهب تقسیم شده است از طرف دیگر، هیچ

متفکر اسلامی تاکنون هیچک از دانشمندان و صاحب نظران دیگر را تکفیر نکرده است، البته همواره بحث و مناقشه و نقد و بررسی بین آنان رواج داشته است، و هم اکنون نیز تکاپوهای علمی و فلسفی و فقهی و اصولی و ادبی و غیره در حوزه‌های کشورهای اسلامی با کمال جدیت در جریان است و اگر قدم مثبتی در راه پیش رفت معرفت اسلامی در یکی از کشورهای اسلامی برداشته شود، دیگران نیز از آن سودمند‌جویند.

وظیفه ما علما و همه متفکران اسلامی در سراسر گیتی و دانشمندان جهان اسلام و رهبران فکری امت اسلامی، ایجاد همبستگی میان مسلمانان است. اینان باید وحدت اسلامی را برقرار کنند، و اینکه چگونه وحدت اسلامی تحقق می‌یابد، این جانب اندیشه‌ای در ذهن دارم که مطرح می‌کنم؛ وحدت اسلامی به دو نوع تقسیم می‌شود: 1 - وحدت علمی 2 - وحدت عملی. برای تحقق وحدت علمی، باید به بحث و بررسی و مطالعه مسائل مورد اتفاق و اختلاف میان مکتب اهل بیت علیهم السلام و روش خلفا پردازیم. اما مهمترین موارد اتفاق، عبارتند از:

1- قرآن کریم

ما مسلمانان در تمام دنیا قرآنی اعم از چاپی، خطی و مکتوب به خط کوفی و نسخ یا هر خط دیگری جز همین قرآن نداریم و قرآن دیگری جز آن، در هیچ شهر یا خانه ای و نزد هیچ مسلمان و غیرمسلمانی یافت نمی‌شود. پس این بدگوییهای ما از یکدیگر برای چیست؟! ما باید برگرد قرآن جمع و با یکدیگر متحد شویم.

2- سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

همه مسلمانان دنیا اتفاق نظر دارند بر اینکه [باید] به آنچه در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، عمل کنند، و هیچ مسلمانی یافت نمی‌شود که قائل به این حرف نباشد.

این دو از اهم موضوعات مورد اتفاق میان دو مکتب است، و مهمترین موارد اختلاف نیز همین دو مورد است.

فهم قرآن

دو مکتب یاد شده در فهم اصطلاحات قرآنی اختلاف نظر دارند مانند «کرسی» در عبارت «وسع کرسیه السموات والارض» برخی از مسلمانان در معنای آیه می‌گویند: در آسمانها جسمی وجود دارد به نام «کرسی» که خداوند [العیاذ بالله] بر روی آن می‌نشیند، ولی ائمه اهل بیت علیهم السلام به استناد آنچه در زبان عربی آمده، به ما آموخته‌اند که «کرسی» در این جا به معنای علم است، بنابر این معنای آیه شریفه يعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه

السموات والارض»، این است که خداوند آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و در پشت سر آنان است می‌داند و جز به مقداری که بخواهد، کسی از علم او آگاه نمی‌گردد و علم او بر همه آسمانها و زمین احاطه دارد و چیزی از قلمرو نفوذ علم او بیرون نیست.

به هر حال این یک مسئله علمی است و ما می‌توانیم در یک بحث علمی آن را بین خودمان مورد بحث و بررسی قرار دهیم و مانعی ندارد که شما رای مرا و من رای شما را نپذیریم، و در عین حال یکپارچه و متحد باقی بمانیم و اختلاف نظر به دوستی ما خللی وارد نکند.

فراگیری سنت

یکی از موارد اختلاف میان مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفا، پاسخ این سوال است که ما سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را از چه کسانی باید فرا بگیریم؟ آیا تنها از صحابه آن حضرت، و از همه آنان؟ آیا همه صحابه عادل بودند؟ اینها مسائلی است که برادران اهل سنت ما به آنها اعتقاد دارند و در مقابل آن، عقیده مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این است که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ما باید از عدول صحابه و از خود ائمه علیهم السلام فرا بگیریم، و این خود یکی از مسائل فقهی مورد اختلاف میان ماست و هر یک از طرفین (شیعه و سنی) دلایل خود را ارائه می‌دهد.

علاوه بر این برای دستیابی به این وحدت علمی ما به مطالعه و بررسی اصطلاحات قرآن و عقاید اسلامی نیازمندیم، زیرا ما در حوزه های علمیه خودمان و در الازهر و دانشگاه اسلامی الزيتونیه [در تونس]، و در حوزه نجف و قم، اصطلاحات فقهی را خوانده و آموخته ایم ولی اصطلاحات اسلامی، قرآنی، عقیدتی را رها کرده ایم، ما اولاً به بررسی این اصطلاحات و ثانياً به مطالعه و بررسی منابع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیاز داریم، تا برای ما روشن شود که آیا می‌توانیم احکام اسلام را از کتاب و سنت و نیز از اجتهادهای صحابه و خلفا بگیریم؟ یا باید به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ یکی از اجتهادهای صحابه در زمان خودشان این بوده که به عنوان مثال خلیفه دوم اجتهاد کرده و به نهی از عمره تمتع فتوا داده و امروزه برخی از مسلمانان بر طبق آن عمل می‌کنند و برخی نمی‌کنند، در این موارد ما باید به مطالعه بپردازیم که آیا بر عمل به اجتهادهای خلفا باقی بمانیم یا در به دست آوردن احکام اسلام به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ این مسائل یعنی منابع سنت و استنباط احکام را باید بررسی کنیم. امروز، ما باید اختلافات و جدال های بی نتیجه را رها کنیم و تنها به مطالعه و بررسی این موضوع بپردازیم که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و تفسیر قرآن را از کجا بگیریم. هر یک از ما (شیعه و سنی) دلیل عقایدش را ارائه می‌کند و دلیل برادرش را می‌شنود، چه آن را بپذیرد یا نه ولی در برابر دشمن مشترک از برادر دینی خود حمایت کنیم و به خاطر وی فدا شویم، مانند برخوردی که جمهوری اسلامی با مسلمانان فلسطین

داشته، که همه کشورهای عربی می‌خواهند دست دوستی به اسرائیل بدهند، جز جمهوری اسلامی که از انتفاضه در داخل فلسطین پشتیبانی می‌کند و حزب‌الله لبنان را از شیعیان طرفدار خود، به وجود آورده تا به وسیله آنان با اسرائیل بجنگند و آنان به خاطر فلسطینیان کشته شوند، و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) روز قدس را قرار داد. ما نیز باید مسلمانان را به این نوع وحدت (عملی) فرا خوانیم، و آخرین کلام من این آیه شریفه است: «قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة (منبع: رسالت)

راهکارهای وحدت از دیدگاه امام خمینی(ره)

یکی از تأثیرگذارترین رهبران وحدت طلب و پیشوایان اصلاح گرای معاصر، امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی است. او نیز همچون سیدجمال الدین بنیانگذار حرکت اصلاحی و وحدت طلبی، از برجسته ترین منادیان همبستگی و انسجام اسلامی به شمار می رود. اندیشه های این مرد بزرگ الهی در مرحله نظر باقی نمانده، بلکه غالباً جامه عمل پوشیده است. در زمینه وحدت نیز راهکارهای اساسی و کاربردی برای تحقق این هدف بزرگ ارائه نموده است که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره می گردد

1- رهبری واحد

برای وحدت یک جامعه، رهبری واحد و اطاعت و پیروی از او، سخن نخست است. یعنی قبل از هر راهکار دیگر و انجام فعالیت در مسیر همبستگی، شناسایی یک رهبر واحد، گرد آمدن در کنار او و حرف شنوی از اوامر و دستورهای وی، از اهم راهکارهای وحدت به شمار می رود. این مسئله در دین امری پذیرفته شده و حتی مورد تأکید است.^[1]

2- شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف

یکی از دقتها و موشکافیهای حضرت امام(ره) در باب راهکارهای وحدت، شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف است. از دیدگاه ایشان می توان استفاده کرد که ما نباید خود را درگیر مسائل ظاهری و سطحی اختلافها کنیم، باید ریشه های اصلی را پیدا کنیم و بخشکانیم. ایشان با هرگونه حرکتی که باعث انحراف افکار ملت از مجرم اصلی شود به مقابله برمی خیزند و به روشنگری و ارائه مسیر صحیح مبارزه می پردازند.

مبارزات حضرت امام(ره) با شاه فاسد و نقشه های اختلاف برانگیز او، نیز بر همین مبنا استوار

بود. مبارزه با ابر قدرتهایی مثل آمریکا که همواره به اختلاف و تفرقه در جوامع اسلامی دامن می‌زنند نیز از همین قبیل بود.

3- پرداختن نویسندگان به وحدت

از راهکارهای اساسی دیگر، توجه و پرداختن نویسندگان و فرهنگیان و دانشمندان به وحدت و تولید کتابها و دیگر آثاری است که در زمینه وحدت و همبستگی باشند و جامعه اسلامی را به همدلی فرا بخوانند. حضرت امام(ره) در یکی از سخنان خود می‌فرمایند:

«ای آقای محترمی که این صفحات را جمع آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جساراتی می‌شد همه یک دل و یک جهت از تمام کشور قیام می‌کردند».[21]

4 - برنامه ریزی و انجام کارهای تشکیلات.

یکی از تأثیرگذارترین راهکارهای وحدت، برنامه ریزی، ایجاد انجمنها و انجام کارهای تشکیلاتی در مسیر همبستگی است.

حضرت امام(ره) این مهم را به خوبی دریافته بود و تمام فعالیتهای ایشان در طول مبارزه ضد استعماری خارجی و ضد استثماري داخلی، نشان از برنامه ریزی، سیاستگذاری و انجام فعالیتهای تشکیلاتی است.

5 - جلوگیری از اهان

یکی از عوامل خطرناک تفرقه و اختلاف، توهین و افترا به افراد، جامعه و یا مذهب و اعتقاد دیگران است. راهکار اصولی در این زمینه نیز از بین بردن این عامل است. امام(ره) پس از آزادی از زندان در سال 1343 وقتی متوجه می‌شوند در بین طلاب جوان صحبت‌هایی در هجو و بدگویی از بعضی از مراجعی که با امام همراهی نکرده اند رایج شده است، به شدت بر آشفته می‌شوند.

6 - احترام متقابل

یکی از مهم ترین راهکارهای همبستگی و همدلی، احترام متقابل به همدیگر است. دو فرد و یا دو جامعه و یا دو مذهب و اعتقاد ممکن است تفاوتها و تمایزاتی داشته باشند. راه مسالمت زیستی و همبستگی این است که نسبت به هم روابط احترام آمیز متقابل داشته باشند. این مسئله در بین گروههای مختلف یک جامعه و حتی افراد یک خانواده نیز صادق است. احترام متقابل موجب همدلی و وحدت می گردد. حضرت امام(ره) در باره احترام متقابل گروههای مختلف جامعه به خصوص روحانیان و روشنفکران و دانشگاهیان می فرمایند:

«لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاهها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند خداوند تعالی آنها را محترم شمرده و اهل بیت وحی سفارش آنها را به ملت فرموده است. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواستہ پایه های اسلام فرو می ریزد و قدرت جبار دشمن بی معارض می شود» [31]

7 - تمسک به مشترکات

مسلمانها و مذاهب مختلف اسلامی و همین طور اسلام با دیگر ادیان توحیدی مشترکات بسیاری دارند که تمسک به این مشترکات می تواند یکی از راهکارهای اساسی وحدت و همبستگی جوامع انسانی یا اسلامی باشد. امام(ره) نیز بارها با تکیه و تمسک به وجوه مشترک در جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان همه را دعوت به وحدت می کردند.

8 - پرهیز از مسائل تفرقه افکن

از راهکارهای مهم همبستگی، پرداختن به مسائل و پرهیز از امور تفرقه افکن است. امام(ره) به مصالح امت اسلامی همواره توجه می کرد و از حرکاتی که فایده ای جز ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان ندارد به شدت پرهیز می نمود.

و همچنین در پیامهایی که برای حجاج ایرانی می فرستند، می فرمایند:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند.» [41]

در وقتی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز جماعت منعقد شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند

و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.]

9 - ایجاد حکومت اسلامی

از کاربردی ترین راهکارهای وحدت، اقدام عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. وحدت با آرزو و تخیل انجام نمی پذیرد. اگر واقعاً می خواهیم به وحدت حقیقت دست یابیم، باید بکوشیم در عمل وارد صحنه شویم و گامهای عملی و کاربردی در این زمینه برداریم. تشکیل حکومت اسلامی یکی از این اقدامات عملی است.

10 - اهتمام به امور مسلمانان در جهان

مسلمانان باید به سرنوشت همدیگر حساس باشند و به مصائب و مشکلاتشان ابراز احساسات نمایند. مسلمانان خارج از حوزه جغرافیای خاص خودشان، به امور مشترک دینی و باورهای ایمانی خود اهتمام به خرج دهند. حضرت امام با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز «جهانی قدس» و «روز اسلام»، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمانان جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می شود. امام در این باره می فرمایند:

«روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره به واسطه عمال خبیث شما واقع نخواهد شد.»^[5]

11 - بیداری و قاطعیت در برابر دشمنان و تفرقه افکنان

از نظر حضرت امام (ره) بیداری در مقابل دشمن، آگاهی از توطئه ها و برنامه های تفرقه افکنانه آنان و برخورد قاطع و دندان شکن با آنها، موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان می گردد. موضع بسیار به حق امام با فتوای تاریخی و برخورد قاطع مبنی بر حکم ارتداد و اعلام حکم قتل سلمان رشدی که مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احیای اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد.

12 - ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت این است که ما به هدف امیدوار باشیم، ایجاد وحدت امت اسلامی و بیداری

جوامع مسلمان از خواب غفلتي که آنان را فرا گرفته است، براي ما خواب و خيال نباشد، بلکه آن را هدف تحقق يافتنی و در دسترس بدانيم.

امام با تمام وجود و با الهام و اعتقاد به وعده اجتناب ناپذير الهي مبني بر پيروزي مستضعفان بر مستکبران و امامت و رهبري آنان بر روي زمين، اولاً خود ايمان راسخ به آينده و تحقق وعده الهي و پيروزي و بيداري ملل مستضعف دارند، ثانياً، با تکیه بر ايمان و اعتقاد محکم خویش، همواره ملل اسلامي و مستضعف جهان را اميد به پيروزي و آينده نگري مي دهد و هميشه از «آينده روشن» و «بيداري امت اسلامي» و همبستگي و اقتدار آنان به عنوان قاعده اي تخلف ناپذير و اميد بزرگ ياد مي نمايد و مکرر به اين حقيقت اشاره مي کند.

بنابراين، امت اسلامي در عقیده و شريعت، در امر قيادت و رهبري و در غرض و هدف، وحدت نظريه دارند و بايد در مجامع جهاني با هم همکاري کنند، نه اين که به تکفير و تفسيق يکديگر پردازند. (آية الله جعفر سبحاني، سيماي فرزندگان ج 2 به نقل از سايت تبیان) در ادامه جهت بررسي دقيق تر موضوع، ديدگاه هاي انديشمندان مسلمان پيرامون وحدت اسلامي و عوامل تقويت آن، ارائه مي گردد : 1. اتحاد و انسجام از ديدگاه امام خميني (قدس سره) يکي از محورهاي اساسي تشکيل دهنده استراتژي امام وحدت و انسجام است، که در ابعاد مختلف کاربرد دارد، در حوزه کانون هاي تبليغي و فرهنگي حضرت امام خميني(ره) با تأکيد بر استفاده از روش ها و نهادهاي فرامردن براي بيان و تبليغ و باورهاي اسلامي در مقابل از ميان همه شيوه هاي سنتي در عرصه باورسازي و توليد اندیشه تريبون هايي را برمي گزينند که علاوه بر داشتن حوزه تأثير فراگير و عميق از سويي کم هزینه نيز مي باشند اما آنچه که در اين انتخاب مهم بوده. اين نهادهاي ديني و مذهبي در ذات خود بيانگر و نماد انسجام اسلامي است يعني در عين کارکرد محتوايي در ظاهر نيز تبليغ کننده همبستگي و اتحاد مي باشد.

مانند آيين هاي نمازجمعه و جماعات و در سطح بين المللي مناسک حج، ايشان پيرامون برجستگي کانون هاي مذکور در زمينه ترسيم انسجام اسلامي و تبليغ باورهاي ديني مي فرمايد: «اسلام اين گونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آن استفاده ديني بشود، عواطف برادري و همکاري افراد تقويت شود، رشد فکري بيشتري پيدا کنند، براي مشکلات سياسي و اجتماعي خود راه حل هايي بيابند و به دنبال آن به جهاد و کوشش دسته جمعي پردازند.» (1) حضرت امام(ره) در ادامه مي گویند: «اگر هر روز جمعه مجتمع مي شدند و مشکلات عمومي مسلمانان را به ياد مي آوردند و رفع مي کردند و يا تصميم به رفع آن مي گرفتند کار به اينجا نمي کشيد.

امروز بايد با جدیت اين اجتماعات را ترتيب دهيم و از آن براي تبليغات و تعليمات استفاده کنيم به اين ترتيب نهضت اعتقادي و سياسي اسلام وسعت پيدا مي کند و اوج مي گيرد.» (2) حضرت امام(ره) با تاکيد بر بهره گيري از اجتماعات موصوف در واقع بر کارکرد دوگانه آنها اصرار دارد: (1) کارکرد آموزشي در زمينه باورسازي. تعميق و تعليم بينش فکري و فرهنگي (2) نقش اساسي در اجتماع سازي و

تمرکز اراده و نیروی انسانی امت اسلامی برای رسیدن به انسجام و همبستگی ملی جنبش سیاسی و عملی برای انسجام اسلامی استراتژی و طراحی حضرت امام خمینی(ره) برای رسیدن به انسجام اسلامی متشکل از دو لایه است: لایه اول: همان کارکرد فرهنگی و فکری است و دومین عنصر، جنبش سیاسی و عملی است. یقیناً دست یابی به انسجام اسلامی بدون وجود يك قاعده سیاسی و شکل گیری زیرساخت های نظام سیاسی سرزمینی یا فرااقلیمی امکان پذیر نیست

و امکان عینیت یافتن را ندارد. نقش دولت ها و حکومت ها در راهبرد انسجام و اتحاد حضرت امام(ره) اولین رسالت را در این زمینه متوجه دولت ها می سازد و بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی خواهان حرکت دولت ها به سوی منافع و رویکرد واحد برای ارزیابی هویت ملی و دینی و قطع ریشه های وابستگی، واگرایی و استعمار می شود.

ایشان می گویند: «ما حرفمان این است که دولت ها بیایند قبل از اینکه خود ملت ها قیام بکنند، خود دولت ها بیایند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند، با هم يك جلسه ای درست کنند، همه رئیس جمهورها بنشینند، پیش هم و حل کنند مسائل شان را هر کس سر جاي خودش باشد، لکن در مصالح کلی اسلامی، در آن چیزی که همه هجوم آورده اند به اسلام در او با هم اجتماع کنند، جلوشان را بگیرند و آسان هم هست.»(3) در این راستا حضرت امام(ره) حتی از برخی رفتارهای نابخردانه، غیراسلامی و نیز وابستگی بعضی حکومت های کشورهای اسلامی چشم پوشی می کند و خطاب به همه سران اسلامی میفرماید: «ما میل داریم که با همه کشورهای اسلامی برادر باشیم، همه ی حکومتها در عین حال که اعوجاج دارند برگردند، و با ما دست اخوت بدهند، ما صلاح همه را می خواهیم. نقش ملتها و اراده آنان در راهبرد انسجام اسلامی حضرت امام خمینی(ره) وقتی سران دولت های اسلامی را در اتخاذ استراتژی وحدت طلبانه و دیپلماسی انسجام ناکارآمد و نااهل یافتند شیوه دعوت به انسجام را به روند «حرکت از پایین به بالا» تغییر دادند و این بار ملت ها را مورد خطاب خویش قرار می دهند و میفرمایند: «ملتها خودشان باید در فکر اسلام باشند، ما یوسیم ما از سران اکثر قریب به اتفاق مسلمین، لکن ملت ها خودشان باید به فکر باشند و از آن ها ما یوس نیستیم.» حضرت امام خمینی(ره) از آغاز مبارزات همواره بر عنصر مردم به عنوان عامل اساسی پیشبرد جریان های سیاسی جهان اسلام تاکید داشته و عموماً خطاب های ایشان متوجه ملت ها بود. فعال سازی ملت ها و مشارکت دادن آنها در فرایند سیاسی برای وصول به انسجام اسلامی و اتحاد ملی در درون، بدون وجود نهادهای مدنی و کانون های تجمع امکان پذیر نیست، لذا باید کانون های مدنی با کار ساخت ویژه سیاسی جهت دست یابی به انسجام طراحی و تدوین گردد. حضرت امام به عنوان رهبری الهی، حکیم و متکی به پشتوانه ی غنی علمی و آگاهی داشتن به رهاآوردها و نوآوری های سیاسی روز، برای سازماندهی توده ها در دو سطح جهانی و اسلامی دو نهاد اساسی را پیشنهاد می کنند

مقوله باندی سیاست ها و راه کارهای انسجام بخش از نظر امام(ره) و مقام معظم رهبری

الف) در سطح فراملی

- اولویت تقویت انسجام مذهبی در بین شیعه و سنی در درون هر یک از کشورهای اسلامی در کنار سیاستگذاری‌های کلان.
- برخورد با فرقه‌های اختلاف‌انگیز و تقویت جریان‌های متعادل و میانه‌رو در جهان اسلام.
- تعامل سفارتخانه‌های کشورهای اسلامی با رویکرد تقویت انسجام.
- تصویب مجازات‌های حقوقی برای اعمال خشونت‌آمیز افراطی در کشورهای اسلامی.
- سیاستگذاری در جهت انسجام اسلامی در قالب و بستر مفاهیم جدید و جذابی چون جهانی شدن و ...
- گسترش کمی و کیفی پژوهش‌های بنیادی و کاربردی پیرامون مسئله انسجام مذهبی در سطح جهان اسلام.
- بهره‌گیری دولت‌های اسلامی از راهبردها و راه‌کارهای پیشنهادی و پژوهش‌های علمی و سیاستگذاری پژوهش‌مدار در مسیر انسجام اسلامی.
- رویکرد اولویت بخشیدن در به‌کارگیری کارشناسان و متخصصان اسلامی در موضوعات مختلف.
- طرح نظریه جهانی شدن در راستای اسلام.
- قرار دادن سرزمین مقدس فلسطین به عنوان یک اصل مشترک بین تمامی کشورهای اسلامی و یکی از محورهای انسجام اسلامی.
- رصد مستمر اقدامات دشمن.

ب) در سطح ملی

- تدوین سند راهبردی و نظام‌نامه تقریب و انسجام مذهبی با نظر علمای سنی و شیعه و مسئولان ذی‌ربط در شورای اسلامی سیاستگذاری.
 - معرفی جریان‌ات تفرقه‌افکن و اعلان موضع نسبت به آن‌ها.
 - اتخاذ مواضع مشترک نسبت به موضوعات اصولی مختلف مانند ضرورت شرکت در مراسم‌های ملی (روز قدس، 22 بهمن و...).
 - مقابله جدی با توطئه‌های اختلاف‌برانگیزانه دشمنان.
 - پیشگیری از تضادها و منازعات سیاسی و رقیب‌ستیزی و نیز توافق در اصول کلی حاکم بر روابط جامعه.
- 2) سیاست‌ها و راه‌کارهای فرهنگی علمی
- الف) در سطح فراملی
- تدوین آثار مشترک و برگزاری همایش‌های علمی.
 - ارائه پژوهش‌های علمی برای تبیین حقایق تاریخی از دیدگاه علمی بدون تعصبات مذهبی.
 - برگزاری مسابقات فرهنگی، هنری و علمی در موضوعات مختلف در سطح جهان اسلام.
 - تولید و تکثیر نرم‌افزارهای رایانه‌ای در جهت تولید فرهنگ هم‌گرایی در سطح جهان اسلام.
 - سیاستگذاری آموزشی (دوره‌های قبل از دانشگاه و دوره دانشگاه) و تدوین برنامه درسی کشورهای اسلامی با رویکرد تقویت انسجام مذهبی.
 - بسط و تقویت منشورات (کتاب، مجله، روزنامه‌ها) و فعالیت‌هایی مثل نشست‌های علمی و کنفرانس‌ها و... به منظور تقویت بنیادها و بنیان‌های انسجام مذهبی.

- فرهنگ‌سازی با ابزارهای مختلف آموزشی در رسانه‌های تبلیغی در جهت افزایش میزان، تحمل، سعه‌صدر و مدارای مذهبی در جهان اسلام.
- گسترش تعامل دانشگاهی و جذب دانشجویان و اساتید در بین کشورهای اسلامی.
- تقویت برنامه‌های تبادل فرهنگی از طریق نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های علمی، ادبی، هنری و نمایشی با رویکرد انسجام مذهبی.
- ارتباط نهادینه و مستمر نخبگان فکری مسلمان و سطح جهانی در قالب تشکلهای فرهنگی.
- تأسیس دانشگاه جهانی اسلامی با شعبه‌هایی در هر یک از کشورهای اسلامی، همراه با تدوین متون اسلامی و تربیت اساتید با رویکرد هم‌گرایانه.
- تدوین تاریخ، پیشینه و حوادث مشترک اسلامی از صدر اسلام تا کنون به صورت منسجم و تبلیغ و تدریس آن در کشورهای اسلامی.
- سرمایه‌گذاری اساسی برای تلاشی فراگیر جهت بالا بردن سریع نرخ سواد در سطح جهان اسلام.
- طراحی ساز و کار گفتمان و مشورت چندجانبه در منطقه پیرامونی و جهان اسلام به‌ویژه در سطح نخبگان و متفکران برجسته اسلامی.
- تقویت هر چه بیشتر روند هم‌گرایی و گفتگوی بین‌المذاهب در سطح علمای اسلامی از طریق جریان‌های متعادل و روند همدلی در سطح عمومی با استفاده از ابزارهای مورد نظر.
- راه‌اندازی اتاق فکر با حضور شخصیت‌های شیعه و سنی و نظریه‌پردازان و پیشنهاد راهبردی به دستگاه‌ها.

(ب) در سطح ملی

- وحدت حوزه و دانشگاه از طریق روزآمد نمودن ساز و کارها، تدوین راهبردهای موضوعی.
- پدید آوردن شعارها و نمادها برای وحدت.

- ایجاد روحیه نقدپذیری علمی در سایه برگزاری نشست‌های دوستانه افراد و گروه‌ها.
 - استخراج متون مشترک روایی مورد قبول فریقین و بهره‌گیری از آن به عنوان پایه‌های تقریب.
 - زمینه‌سازی علمای مذاهب برای وحدت.
 - اجازه باروری اندیشه‌ها تا آنجا که اصول و منافع ملی خدشه‌دار نگردد.
 - پایه‌ریزی مهندسی اجتماعی و فرهنگی بر مبنای گفتمان وحدت و تقریب مذاهب اسلامی.
 - پژوهش‌های عمیق برای رسیدن به رهیافت علمی منشور وحدت اسلامی.
 - ترسیم افق‌های وحدت بر محور توحید و نبوت و سایر مشترکات.
 - پی‌گیری روش ارزشمند اندیشمندانی همچون: سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، محمد عبده، شرف‌الدین، آیت‌الله بروجردی، شیخ شلتوت، امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری(مدظله) و...
- 3) سیاست‌ها و راه‌کارهای اجتماعی
- الف) در سطح فراملی
- در نظر گرفتن امکانات جهانگردی آسان و ارزان برای مسلمانان جهت بازدید از کشورهای اسلامی.
 - آسیب‌شناسی مسایل اجتماعی جهان اسلام و پایه‌ریزی مهندسی اجتماعی بر مبنای گفتمان تقریب مذاهب اسلامی.
 - تأسیس نهادهای اجتماعی برای حل منازعات بین مسلمانان و تقویت صلح و مصالحه.
 - ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و تشکل‌های غیر دولتی (جوانان، کارگران، زنان، دانشجویان، طلاب و...) با رویکرد انسجام مذهبی.

- ارتباط و تعامل هر چه بیشتر رهبران انقلاب و علمای بلاد اسلامی به منظور انسجام و وحدت بیشتر جهان اسلام و کشورهای اسلامی.

- ارائه نسخه شفا بخش محبت و مدارا در میان امت اسلامی برای پایان بخشیدن به ستیزه‌های فرسایشی.

ب) در سطح ملی

- بیداری اسلامی مردم و مسئولیت‌نخبگان.

- پرهیز از مسائل تفرقه‌افکن.

- خودداری مدیران ارشد نظام اسلامی، متولیان و صاحب‌منصبان حکومتی از ورود به منازعات سیاسی و باندي و حزبي و خدمت به مردم در کمال صداقت و صمیمیت.

- پای‌بندی همه گروه‌های وفادار نظام به قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان منشور اتحاد ملت مسلمان ایران.

- تقویت هوشیارانه پیوند ملت و دولت و افزایش قانون‌گرایی و مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون

- پذیرش و رسمیت بخشیدن به حقوق قانونی گروه‌های مختلف به منظور بازیابی و تعریف هویت آنان در سایه وحدت ملی.

4) سیاست‌ها و راه‌کارهای اقتصادی

الف) در سطح فراملي

- تقویت روابط اقتصادی و تجاری در بین کشورهای اسلامی.

- تأسیس بانک‌های بدون ربا، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به صورت متمرکز و مرتبط با یکدیگر در سطح جهان اسلام.

- تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه برای حمایت از مسایل اساسی جهان اسلام (مسئله فلسطین و حوادث غیرمترقبه چون سیل پاکستان).
- تأسیس بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای جداگانه در سطح جهان اسلام (کشورهای مسلمان جنوب شرق آسیا، کشورهای مسلمان شمال خاورمیانه و آسیای میانه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای مسلمان مغرب عربی و کشورهای مسلمان آفریقای مرکزی).
- تأسیس بازار مشترک و لغو یا به حداقل رساندن عوارض گمرکی و تعرفه‌های وارداتی در کشورهای اسلامی.
- بهره‌گیری مشترک کشورهای اسلامی از مواهب عظیم طبیعی و جغرافیایی خصوصاً ابزار نفت برای دفاع از منافع و مصالح جهان اسلام.
- ایجاد شرکت‌های فراملی در جهان اسلام با هدف جذب سرمایه‌های (انسانی و مادی) جهان اسلام و جلوگیری از فرار سرمایه‌ها و رقابت با شرکت‌های غیراسلامی و غربی.
- تلاش در جهت تشکیل اتحادیه جهان اسلام با بهره‌گیری از الگوهای هم‌گرایی در جهان بر پایه تدوین قانون اساسی واحد کشورهای اسلامی، تدوین نظام واحد حقوقی و جزائی جهان اسلام یا داور اسلامی، بازار مشترک اسلامی و وحدت پولی و مالی مسلمانان، انعقاد پیمان دفاعی-امنیتی کشورهای اسلامی و تشکیل مراکز فکری و تولید اندیشه در جهان اسلام.
- شرکت‌های اسلامی باید مستقل باشند و منابع تغذیه مالی آن‌ها صرفاً از ثروت و منابع مالی مسلمانان تأمین شود.
- اختصاص اولویت‌های تجاری به تجارت با کشورهای اسلامی، نسبت به بازرگانی با دیگر کشورها.
- همکاری گسترده در به‌کارگیری نیروهای متخصص و کارشناسان و اساتید علوم و فنون جدید به جای کارشناسان بیگانه به منظور هم‌یاری در توسعه و پیشرفت متقابل.
- ایجاد شرکت‌های فراملی با هدف جذب سرمایه‌های معطل و سرمایه‌گذاری در کشورهای اسلامی با رعایت مناسبات و شرایط مناطق و سد عملی فرار این سرمایه‌ها به بازارها، بانک‌ها و مراکز صنعتی

ب) در سطح ملی

- توجه جدی به مقوله کار و تلاش و تولید علم.
- تلاش در جهت نهادینه سازی ارزش ها و منافع مشترک در جامعه.
- 5) سیاست ها و راه کارهای امنیتی و ارتباطاتی

الف) در سطح فراملی

- تأسیس سایت ها و وبلاگ های ویژه تقویت انسجام مذهبی و پاسخ گویی به شبهات در این زمینه.
- برنامه های رادیو تلویزیونی مشترک کشورهای اسلامی خصوصاً در مناسبت های ویژه با بهره گیری از موارث و پیشینه مشترک فرهنگی و تاریخی.
- تأسیس رسانه ای فراگیر و جامع در سطح جهان اسلام با هدف بسط و تقویت انسجام اسلامی و مقابله با ناتوی فرهنگی.
- تشکیل اتحادیه انسجام مذهبی در بین متولیان و نخبگان مطبوعات جهان اسلام.
- افشاگری رسانه های اسلامی از توطئه ها و ترفندهای رسانه های استکباری و استعماری در سطح جهان اسلام و جهان.
- پوشش دادن و تبلیغ رسانه ها بر روی اخبار، حوادث، پدیده ها و مسایل با رویکرد بسط فرهنگ هم گرایی در جهان اسلام.
- بهره گیری از نمادهای مطرح در سطح جهان اسلام (روز قدس، هفته وحدت، هفته حج) و تولید شعارها و نمادهای جدید انسجام محور.

- بهره‌گیری و تبلیغ بر روی موارث ادبی، عرفانی و آثار و سیره شخصیت‌های برجسته جهان اسلام.
- تأسیس نهادهای امنیتی مرتبط در سطح جهان اسلام برای مقابله با تهدیدات امنیتی بیگانگان.
- انتقال تجارب و ایجاد آگاهی لازم نسبت به برنامه‌های جاسوسی دشمنان و ایجاد حساسیت برای نخبگان سیاسی و مذهبی کشورهای اسلامی.
- تهیه فیلم‌ها و مستنداتی درباره تلاش‌ها و شیوه‌های صهیونیست‌ها و غرب در آسیب زدن به جهان اسلام.
- تقویت و گسترش حوزه فعالیت سازمان کنفرانس اسلامی و زمینه‌سازی جهت ایجاد ساختارهای تکمیلی با هدف نقش‌آفرینی و کارا نمودن سازمان در حل و فصل مسائل جهان اسلام و دفاع از مواضع کشورهای اسلامی در نظام بین‌الملل.
- تقویت نقش و جایگاه جهان اسلام و کشورهای اسلامی در نظام نوین بین‌الملل بر پایه مصالح عالیه امت اسلام به‌ویژه در بهره‌گیری بهینه از مواهب عظیم طبیعی و منابع انسانی.
- تشکیل اتحادیه‌های همکاری منطقه‌ای در جهان اسلام در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی اقتصادی و انرژی.
- تدوین نظام دفاعی-امنیتی کشورهای اسلامی با هدف تشکیل ارتش ده‌ها میلیونی جهان اسلام.
- تقویت پارلمان‌های بین‌المجالس اسلامی.
- تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از الگوهای موجود.
- راه‌اندازی سامانه رسانه‌ای تحت کنترل و بر اساس چارچوب مشخص.

ب) در سطح ملی

- تحقیق و تألیف کتب در سطح ملی و تهیه گزارش به وسیله محققان و نویسندگان و رسانه‌ها درباره بیان ضرر و زیان اختلافات مذهبی در گذشته.

- خوداری اصحاب جراید، مطبوعات، رسانه ملی، گویندگان، نویسندگان و مسئولان از هرگونه اظهار نظرهای تعصبی، غیرکارشناسانه و غیرمسئولانه.

- آگاه‌سازی مردم از ترفندهای دشمنان در راستای خاموش ساختن شعله‌های بیداری اسلامی و اتحاد شکنی.

- هدایت افکار عمومی به سوی منافع ملی و فاصله گرفتن از منافع گروهی و جناحی.

6) سیاست‌ها و راه‌کارهای مذهبی و دینی

الف) در سطح فراملی

- توجه به مؤلفه‌های مهم وحدت (اسلام، توحید، قرآن، نبوت و اهل‌بیت).

- زمینه‌سازی برای ارتباطات نهادینه و مستمر در ایام حج میان مسلمانان.

- شناسایی تمام نهادهای دینی-مذهبی جهان اسلام و ایجاد ارتباط مستمر و نهادینه میان آن‌ها.

- اتخاذ تصمیم برای موضع‌گیری مشترک علمای بزرگ اسلامی در مناسک و آیین‌های ویژه (استهلال، عید قربان، ولادت و بعثت نبوی و...).

- حفاظت از اماکن متبرکه و مقدس اسلامی در سطح جهان اسلام.

- تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی از سوی نخبگان دینی و تبلیغ و تدریس این منابع در حوزه‌های دینی.

- تعریف، تدوین و تحدید حد و مرز موضوعاتی چون: کفر، شرک، فسق و... در نشست‌های مشترک اسلامی و جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز و اظهار نظرهای اتهامات سلیقه‌ای و متعصبانه و

متعرضانه در جهان اسلام نسبت به مسلمانان.

- صدور فتاوای تعیین کننده و برجسته از سوی مراجع اقتدار مذهبی در جهت تقویت و تعمیق انسجام اسلامی (صدور فتاوای هم‌گرایانه).

ب) در سطح ملی

- عمل به دستورات و تعالیم الهی قرآن کریم و عترت مطهر.
- هم‌گرایی با تأکید روی عرفان و معنویت اسلامی.
- تعامل مستمر و نهادینه حوزه‌های علمی اهل سنت و شیعه در سطح کشور.
- سیاستگذاری آموزشی حوزه‌های علمی مناطق قومی کشور با رویکرد تقویت انسجام اسلامی.
- تقویت و بسط آیین‌های مذهبی انسجام‌محور و تضعیف و حذف آیین‌های اختلاف‌برانگیز در سطح کشور از سوی نخبگان مذهبی و سیاسی.
- جلوگیری از کارهای افراطی و محکوم کردن اعمال غیر انسانی افراد افراطی.
- خودداری عالمان و اندیشمندان مذهبی از اظهارات تحریک کننده و حساسیت برانگیز

بحث و نتیجه گیری

ما امروز برای رویارویی با خطرهایی که از هر سو و در همه جا ما را در بر گرفته چه باید بکنیم؟ اکنون بر یک و نیم میلیارد مسلمان واجب است با یکدیگر متحد شوند و اگر چنین کنند، هیچ قدرتی در جهان توان رویارویی با آنها را ندارد. ما امروز نیاز به وحدت در همه زمینه‌ها داریم که مثلاً در عرصه اقتصادی از طریق تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی نظیر بازار مشترک اروپا دست‌یافتنی است. البته ایجاد چنین وحدتی وظیفه دولتهای اسلامی است، نه وظیفه ما. وظیفه ما علما و همه متفکران اسلامی در سراسر گیتی و دانشمندان جهان اسلام و رهبران فکری امت اسلامی، ایجاد همبستگی میان مسلمانان است. باید وحدت اسلامی را برقرار کنند، و اینکه چگونه وحدت اسلامی تحقق می‌یابد، اندیشه‌ای در ذهن دارم که مطرح می‌کنم؛ وحدت اسلامی به دو نوع تقسیم می‌شود: 1 - وحدت علمی 2 -

وحدت عملی . برای تحقق وحدت علمی، باید به بحث و بررسی و مطالعه مسائل مورد اتفاق و اختلاف میان مکتب اهل بیت علیهم السلام و روش خلفا پردازیم. اما مهمترین موارد اتفاق، عبارتند از: 1 - قرآن کریم ما باید بر گرد قرآن جمع و با یکدیگر متحد شویم. 2 - سنت پیامبر صلی الله علیه و آله همه مسلمانان دنیا اتفاق نظر دارند بر اینکه [باید] به آنچه در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، عمل کنند، و هیچ مسلمانی یافت نمی شود که قائل به این حرف نباشد. این دو از اهم موضوعات مورد اتفاق میان دو مکتب است، و مهمترین موارد اختلاف نیز همین دو مورد است. علاوه بر این برای دستیابی به این وحدت علمی ما به مطالعه و بررسی اصطلاحات قرآن و عقاید اسلامی نیازمندیم، زیرا ما در حوزه های علمی خودمان و در الازهر و دانشگاه اسلامی الزيتونیه [در تونس]، و در حوزه نجف و قم، اصطلاحات فقهی را خوانده و آموخته ایم ولی اصطلاحات اسلامی، قرآنی، عقیدتی را رها کرده ایم، به عنوان مثال، ما «ا» را اسم جنس و اصل آن را «الاله» می دانیم که همزه اله حذف و لام مشدد شده و حال آن که علم مرتجل است. و همچنین اصطلاح «خلیفه ا» (جانشین خدا) که به نظر ما بر هر بشری صدق می کند ولی در حقیقت جانشینان خدا در زمین ائمه معصومین علیهم السلام هستند که خداوند آنان را پیشوایان هدایت مردم قرار داده است. پس از درک امثال این اصطلاحات است که فهم صحیح قرآن و عقاید اسلامی برای ما مشخص می شود. در این جا مطلبی را که در آخر کتاب «معالم المدرستین» نوشته شده است، نقل می کنم؛ «روی سخن با دانشگاه های اسلامی و اندیشمندان جهان اسلام، علما، نویسندگان اسلامی و مبارزان راه اعاده حیات اسلامی ما و با مصلحان غیرتمند است. جهان اسلام نهضتی را برای تجدید حیات اسلام و نیل به هدفی نو آغاز کرده و شایسته است بی طرفانه به بررسی منابع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، سیره و حدیث پردازیم و بر تقلید از سلف صالح باقی نمانیم نه در استنباط احکام شرعی، و نه در فهم حدیث. به «صحیح بخاری» مراجعه می کنیم و حدیث درستی را که در آن می بینیم اخذ می کنیم، همان طور که به اصول کافی نیز مراجعه می کنیم و با این روش است که شناخت اسلام از کتاب و سنت و دستیابی به آن تحقق پیدا می کند و وحدت کلمه مسلمانان را پیرامون کتاب و سنت به منظور اقدام کردن به تجدید حیات اسلامی، امکان پذیر می سازد.

با این روش است که وحدت علمی تحقق پیدا می کند وحدت عملی در این باره از باب مثال عرض می کنم: ما در مکتب اهل بیت علیهم السلام حکمی داریم مبنی بر اینکه «هر کس در نماز بسم الله الرحمن الرحیم نگوید نمازش باطل است»، و نمی توان به او اقتدا کرد ولی با توجه به اینکه برادران حنفی مذهب ما چنین عقیده ای ندارند و حمد را بدون «بسم الله» قرائت می کنند، از ائمه ما در کتاب «وسائل الشیعه»، در سه حدیث از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «من صلی خلفهم کان کمن صلی خلف رسول الله»، (یعنی؛ کسی که پشت سر آنان نماز بخواند، مانند آن است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خوانده است)، با اینکه آن امام [جماعت] حنفی «بسم الله» نمی گوید. در حدیث دیگری آمده: «اذا صلیت معهم غفرلک بعدد من خالفک - فی قراءه البسمله - و حضر الصلاه فی المسجد»، (یعنی؛ هر گاه تو با آنان نماز بگذاری، به تعداد کسانی که در خواندن بسم الله با تو مخالفت کرده و در مسجد به

نماز ایستاده اند، از گناها نت آمرزیده می شود.) امام صادق علیه السلام به راوی دیگری فرمود: «یا اسحاق! اتصلي معهم فی المسجد؟ قال: قلت نعم، قال: «صل معهم، فان المصلی معهم فی الصف الاول کالشاهر سیفه فی سبیل الله»، ای اسحاق، آیا با آنان [مخالفان] نماز می گزاری؟ گفتم: آری؛ فرمود: با آنان نماز بگزار، همانا، نمازگزار با آنان در صف اول، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است. بدین سان وحدت عملی تحقق می یابد.

هر یک از ما (شیعه و سنی) دلیل عقایدش را ارائه می کند و دلیل برادرش را می شنود، چه آن را بپذیرد یا نه ولی در برابر دشمن مشترک از برادر دینی خود حمایت کنیم و به خاطر وی فدا شویم، مانند برخوردی که جمهوری اسلامی با مسلمانان فلسطین داشته، که همه کشورهای عربی می خواهند دست دوستی به اسرائیل بدهند، جز جمهوری اسلامی که از انتفاضه در داخل فلسطین پشتیبانی می کند و حزب الله لبنان را از شیعیان طرفدار خود، به وجود آورده تا به وسیله آنان با اسرائیل بجنگند و آنان به خاطر فلسطینیان کشته شوند، و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) روز قدس را قرار داد، ما نیز باید مسلمانان را به این نوع وحدت (عملی) فرا خوانیم، و آخرین کلام من این آیه شریفه است: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره (منبع: رسالت) مقام معظم رهبری: «علاج اصلي، داروي اصلي براي امروزه دنياي اسلام، داروي «اتحاد» است؛ باید با هم متحد بشوند.

علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب وابسته ای به این، یا فلان، یا آن فرقه ای اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه ای منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می کند

اگر شما این کار را نکنید، نسلهای بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. می بینید دشمنی دشمنان را! می بینید تلاش آنها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی! بنشینید علاج کنید؛ اصول را بر فروع ترجیح بدهید. در فروع ممکن است افراد يك مذهب هم با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند؛ مانعی ندارد. مشترکات بزرگی وجود دارد؛ گرد این محور - محور مشترکات - همه مجتمع شوند. مواظب توطئه ای دشمن باشند؛ مواظب بازی دشمن باشند.

خواص، بین خودشان بحثهای مذهبی را نکنند، اما به مردم نکشاند؛ دلها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند؛ دشمنی ها را زیاد نکنند؛ چه بین فرقه های اسلامی، چه بین ملت های اسلامی، چه بین گروه های اسلامی در يك ملت.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام) (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری)

- قرآن مجید.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن‌هبه، شرح ابن‌ابی‌الحدید، بیروت، دارالحکمه، سال 1380.
- اباذری، عبدالرحیم، امام موسی صدر سرورش وحدت، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، سال 1383.
- احمدی، حمید (به کوشش)، ایران، هویت، ملیت، قومیت، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سال 1383.
- اسمیت، آدام، ثروت ملل، ترجمه محمد علی کاتوزیان، تهران، امیرکبیر، سال 1375.
- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، سال 1374.
- ترنر، جان اتان اچ، ساخت نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، انتشارات نوین شیراز، سال 1372.
- خلیلی، رضا، همبستگی ملی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، سال 1384.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین(ع)، سال 1385.
- شریعتی، علی، علی بنیان‌گذار وحدت، تهران، نشر نصر، سال 1350.
- صدر، محمدباقر، ترجمه مصطفی شفیعی، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، سال 1359.
- صحیفه نور، امام خمینی(ره) مجلدات مختلف.

- طباطبائي، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، قم، انتشارات اسماعيليان، سال 1371.
- عباس‌حسن، عباس، ساختار منطقي اندیشه سياسي اسلام، ترجمه مصطفى فضايلى، قم، نشر بوستان كتاب قم، سال 1383.
- لاريجاني، محمدجواد، نقد دين‌داري و مدرنيسم، تهران، اطلاعات، سال 1369.
- مطهري، مرتضي، سيري در نهج‌البلاغه، تهران، صدرا، سال 1382.
- مطهري، مرتضي، جاذبه و دافعه علي (ع)، تهران، نشر آثار، 1379.
- منصورنژاد، محمد، رويكردي ديني به مسئله وحدت و هم‌گرائي، تهران، مجمع جهاني تقريبن مذاهب اسلامي، سال 1387.
- ميرحيدر (مهاجراني)، دره، مباني جغرافياي سياسي، تهران، نشر سمت، چاپ دوم، سال 1372.
- واعظ‌زاده، محمد، زندگي آيت‌الله العظمي بروجردي، قم، مجمع تقريبن مذاهب اسلامي، سال 1374

(ب) مقاله

- امام خميني، صحيفه نور، ج18، ص91.
- امام خميني، صحيفه نور، ج1، صص 234-235.
- امام خميني، صحيفه نور، ج20، ص13.
- امام خميني، صحيفه نور، ج6، ص116.
- امام خميني، صحيفه نور، ج16، ص240.
- امام خميني، صحيفه نور، جلد هفدهم، ص98.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج 17، ص 51.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج 19، صص 73-74.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج 16، ص 47.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج 16، ص 47.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج 13، ص 83.

- حدیث ولایت، ج 1 ص 229.

صحیفه امام، ج 1، ص 21، تاریخ 23/جمادی الاولی/1363 [2]

صحیفه امام، ج 3، ص 325، تاریخ 24/11/1356 [3]

همان، ج 10، ص 61، تاریخ 29/6/1358 [4]

صحیفه امام، ج 9، ص 277، تاریخ 25/5/1358 [5]

